****

[وجوب تقلید از اعلم 2](#_Toc500785849)

[مراد از اعلمیت چیست؟ 2](#_Toc500785850)

[اکثرمعلوما مراد از اعلمیت 2](#_Toc500785851)

[اعلم از جهت مبادی علم اصول مراد از اعلمیت 2](#_Toc500785852)

[مراد از اعلم استنباط قوی است 3](#_Toc500785853)

[ادله وجوب تقلید اعلم 4](#_Toc500785854)

[دلیل مربوط به عامی برای وجوب تقلید اعلم 4](#_Toc500785855)

[تقریب ساده از دلیل عقلی 4](#_Toc500785856)

[تقریب تفصیلی از دلیل عقلی 4](#_Toc500785857)

[دلیل مجتهد برای وجوب تقلید اعلم 5](#_Toc500785858)

**موضوع**: ادله وجوب تقلید از اعلم اجتهاد و تقلید/تقلید /اجتهاد و تقلید

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل گفته شد که منظور از بطلان عمل عامی که احتیاط نکرده است و تقلید هم نکرده است، این است که در ظاهر نمیتواند بر اعمال خود که بدون حجت است اکتفاء کند و منظور این نیست که اگر در واقع اتفاقا اعمالش مطابق با واقع باشد باز هم باطل است زیرا تقلید که شرط صحت اعمال نیست بلکه مقدمیت دارد برای انجام تکالیف. و همچنین گفته شد منظور از وجوب تقلید، وجوب عقلی است نه اینکه تقلید وجوب شرعی داشته باشد البته نه به خاطر اینکه احکامی که قبلا به وسیله علم اجمالی منجز شده است دوباره امکان ندارد منجز شود بلکه به خاطر این است که با ادله وجوب تعلم منجز شده است نه اینکه با ادله جواز تقلید وجوب داشته باشد. بله عقل میگوید برای فراغ یقینی از تکالیف باید یا احتیاط کرد ویا اجتهاد و یا تقلید کرد.

نکته بعدی که گفته شد در مورد ادعای اخباری ها بود که صاحب وسائل به تعدادی از روایات بر عدم جواز تقلید تمسک کرده بود که مهمترین انها عبارت بود از اینکه مسیحیان همین که به نظر علمایشان بدون چون و چرا گوش میدهند کار غلطی است و ان را رد کرده بودند و تقلید نیز این باب است که جواب داده شد به اینکه انها بدعت گذاری میکردند در حالی که مجتهدین ما اینگونه نیستند و یا بعضی از روایات میگفتند که غیر طریقی که شارع اجازه داده است اگر کسی سراغ دینداری برود مشرک است و طریق ان نیز وحی محمد ص و اهل بیت است. جواب داده شد به اینکه عمده استنباط مجتهدین نیز از ایات و روایات است و مقداری از ان نیز احکام عقلی است که عقلای عالم به ان حکم میکنند و مورد امضای شارع است. بله از راه قیاس و استحسان وغیره اگر اجتهاد شود درست نیست.

بعد وارد بحث وجوب تقلید اعلم شدیم که دو بحث داشت یکی موضوعی بود و یکی حکمی.

# وجوب تقلید از اعلم

مرحوم اخوند[[1]](#footnote-1) در کفایه بعد از اتمام بحث جواز تقلید، این بحث را مطرح کردند و وارد ادله وجوب تقلید اعلم شده اند ولی باید گفت که این بحث دو قسم است. قسم اول بحث موضوعی است و معنای اعملیت است و یک بحث ان نیز همان ادله وجوب تقلید اعلم است که به بیان ان پرداخته میشود.

## مراد از اعلمیت چیست؟

در مجموع استاد سه معنا را برای اعلمیت ذکرکردند که دو معنای ان مردود است و یک معنای ان درست است ان را با تصرفی کوچک قبول میفرمایند.

## اکثرمعلوما مراد از اعلمیت

اگر معنای لغوی اعلم را در نظر بگیریم به معنای کسی است که معلوماتش زیاد است و تسلط بر فروعات دارد و برای احکام مدارک انها را ذکر میکند و احیانا وقتی که فرع فقهی مطرح میشود روایت ان را نیز میخواند و به ابواب فقه مسلط است و معلومات از زیاد است. اما از قضا معنای اعلم در اینجا این نیست زیرا ای چه بسا افرادی که ذهن خوبی دارند و حافظه قوی دارند و معلوماتشان زیاد است ولی وقتی که به یک مساله برخورد میکنند در استنباط ان ضعیف هستند و به مشکل بر خورد میکنند و چنین اعلمیتی برای رفع حاجت عامی و تقلیدش به درد نمیخورد و فایده ندارد چون نیازش که عبارت است از بدست اوردن احکام را برطرف نمیکند.

## اعلم از جهت مبادی علم اصول مراد از اعلمیت

ممکن است گفته شود که مراد از اعلمیت در بحث کسی است که به مبادی علم اصول اعلم است و مبادی نیز عبارت بود از اصول و ادبیات و لغت. کسی که به این مبادی اعلمتر است به او اعلم میگویند. اما مراد از اعلمیت نیز نمیتواند این معنا باشد زیرا کسانی هستند که به مبادی خیلی مسلط هستند ولی خوب نمیتوانند استنباط کنند و در استنباط به دقت های عقلی که عرف پسند نیستند میپردازند و از نکات عرفی غافل میمانند و اینکه میگویند" هر کس اصولی تر باشد اعلمتر است" درست نیست. ممکن است کسی در اصول خیلی کار کرده باشد و مبدع خیلی از فروعات اصول باشد و در ان تضلع داشته باشد ولی باز هم در استنباط خطای زیادی داشته باشد و در تطبیقات مسائل فرعی و برگرداندن به اصولشان ضعیف عمل کند. شاید مرحوم اغا ضیاء و مرحوم اخوند از این دست از مجتهدین باشند که به مبادی از جمله اصول تبحر خاصی دارند ولی در استنباط در مقایسه با مرحوم سید یزدی ضعیف باشند و ای چه بسا اگر ما در ان زمان بودیم مقلد مرحوم سید یزدی میشدیم نه مرحوم اخوند و مرحوم اغا ضیاء

## مراد از اعلم استنباط قوی است

مراد از اعلمیت در این بحث کسی است که استنباط قوی تر داشته باشد و در تطبیق مسائل فرعی خیلی تبحر داشته باشد هر چند که مبادی را نیز مسلط است ولی به قدر نیاز در استنباط. وقتی که مساله فقهی را برای استنباط انتخاب میشود نکات عرفی و خصوصیت مورد و غیره را غافل نیستند. مثلا نقل میکنند که بین دو نفر در عقد مزارعه اختلاف شد ایا این عقد طبق سال قمری بوده است یا سال شمسی؟ وقتی که این مساله را به مرحوم اغا ضیا دادند ایشان فورا به سراغ دوران امر بین اقل و اکثر رفتند و گفتند مقدار اقل همان سال قمری است و نسبت به مازاد برائت جاری میکنند. ولی وقتی این فرع را به مرحوم نایینی دادند ایشان فرمودند که ملاک سال شمسی است زیرا کشاورز با خورشید کار دارد که بهار کی است و تابستان کی است و پاییز است کی است وکاری با ماه ندارد. فلذا نکات عرفی بسیار مهم در استنباط است. یا اینکه اگر کسی در وصیت بگوید فلانی را نامحروم نکنید اگر این عبارت را به دست ادبی بدهیم میگوید نفی در نفی است و نتیجه ی ان اثبات است و یعنی ان را محروم کنید اگر به دست فقیه بدهید میگوید یعنی به یک چیزی بدهید چون اگر مرادش این نبود نیازی به ذکر او نبود زیرا در حالت عادی که او چیزی نمیبرد پس معلوم میشود که مرادش این است که به او چیزی بدهید. یا اگر مسلک او مشهوری نیست و به قواعد رجال نیاز دارد باید با قواعد رجالیه اشنا باشد و صرف رجوع به کتب رجال که فلانی ثقه است یا نیست که یک طلبه ساده نیز میتواند ان را انجام دهد.

البته ما به جای کلمه ی اعلم تعبیر به جودة استنباط میکنیم یعنی در استنباط دقت به خرج دهد و زود جواب ندهد و بر ان فکر کند و خوب استنباط کند

## ادله وجوب تقلید اعلم

در این مقام مرحوم اخوند ادله در دو بخش بحث کرده است یک بخش ان مربوط به خود عامی است که ان حرکت اولیه از جانب عامی چه چیزی میتواند باشد برای تقلید از اعلم و بخش دیگر ان نسبت به مجتهد است که دلیل مجتهد برای وجوب تقلید از اعلم چه چیزی میتواند باشد.

## دلیل مربوط به عامی برای وجوب تقلید اعلم

مرحوم اخوند دلیل را عقلی ذکر میکنند بر خلاف اصل جواز جواز تقلید که ان را فطرت و بدیهی ذکرمیکردند و این دلیل نیز دو تقریب دارد یک تقریب ساده و بسیط از حکم عقلی و یک تقریب مفصل وتحلیل همان حکم عقلی است

## تقریب ساده از دلیل عقلی

اگر عقل عامی قاطع به تساوى (در تقليد ميان اعلم و غير اعلم) نباشد، مجتهد اعلم هم فتوا به جواز تقليد از غير اعلم ندهد نوبت مى‏رسد به اينكه در دوران امر ميان تعيين (معنيا از اعلم تقليد كند) و تخيير (مخير باشد بين اعلم و غير اعلم) است و در چنين موردى حتما تعيين مقدم است؛ يعنى بايد از اعلم تقليد كند؛ زيرا حجيت قول اعلم يقينى است و على كل حال مى‏تواند به اعلم رجوع كند (چه مخير باشد يا معين) ولى حجيت فتواى غير اعلم مشكوك است و شك در حجيت مساوى است با عدم حجيت، باز تكليف روشن است.

## تقریب تفصیلی از دلیل عقلی

این دلیل همان مقدمات انسداد است که از یک طرف یک سری الزامیاتی هست و ما موظف هستیم که ان را انجام دهیم و احیاط که سخت است و حرجی است و عقل حکم میکند که هرچیزی که اقربیت به واقع دارد در حق من حجیت دارد که در اینجا همان قول مجتهد اعلم است و در غیر این صورت از لحاظ عقلی من مغذور نیستم.

البته قبلا هم گفته شد مرحوم اخوند ادعا میکرد که عامی نمیتواند تشخیص دهد که احتیاط حرجی است و ان را نفی کند که ما ان را قبول نکردیم و همچنین اینکه عقل کشف کند درست نیست بلکه عقل حکم میکند و مشکل دیگر ان همان عدم اجرای مقدمات انسداد در حق عامی است و نیاز به اجتهاد دارد.

## دلیل مجتهد برای وجوب تقلید اعلم

عقيده مرحوم آخوند همان عقيده مشهور است و تنها دليلى كه بر مدّعاى خود مى‏آورند اصل است.[[2]](#footnote-2) زیرا اصل اوّلى در اسلام و نظر عقل آن است كه احدى حق ندارد از ديگران تقليد كند و به تعبير ديگر فتواى مجتهد گمان‏آور است و اصل اوّلى حرمت عمل به گمان و پيروى از ظنّ است و همه بايد درصدد تحصيل علم و كسب احكام بر اساس اجتهاد و استنباط خود باشند از اين اصل اوّلى به حكم دلايل گوناگون تقليد از اعلم خارج شده و به حكم عقل و نقل تقليد از اعلم جايز بلكه واجب است، ولى نسبت به تقليد از غير اعلم دليلى نرسيده و از تحت اصل اوّلى خارج نشده و برفرض شك در جواز تقليد به اصل اوّلى يعنى اصل عدم جواز برمى‏گرديم، و مى‏توان گفت كه حجيّت قول غير اعلم معلوم نيست و در جاى خود بيان شد كه شك در حجيّت مساوى است با قطع به عدم حجيّت.

اما ادله جواز تقلید از مجتهد عالم جلسه بعدی.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص475.](http://lib.eshia.ir/27004//475/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص476.](http://lib.eshia.ir/27004//476/) [↑](#footnote-ref-2)